

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۲ مارچ ۲۰۱۸

از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم!

رفیق حبیب مؤمنی



در اردیبهشت [ثور] سال ۱۳۵۴ رفیق کارگر، چریک فدائی خلق حبیب الله مؤمنی در حالی که هنوز چند روزی از بازداشتش در خیابان امیر کبیر تهران در ۱۷ اردیبهشت به وسیله نیرو های امنیتی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه نمی گذشت، در زیر شکنجه به شهادت رسید. با دستگیری این رفیق متعهد و مؤمن به پیروزی آرمانهای کارگری و کمونیستی خود، نه فراری لو رفت و نه رفیقی دستگیر شد چرا که وی همه شکنجه های وحشیانه رژیم شاه را به جان خرید و کلمه ای به نفع دشمن بر زبان نراند. ساواک رسوای سلطنت شاه در حالی که رفیق حبیب مؤمنی را در زیر شکنجه به شهادت رسانده بود اما بیشرمانه در روزی نامه هایش اعلام کرد که رفیق حبیب در یک درگیری خیابانی کشته شده است! تا به این ترتیب جنایت خود را همانند همیشه لاپوشانی کند.

رفیق حبیب، برادر رفیق گرانقدر حمید مؤمنی از اعضای گروهی بود که در اواخر سال ۵۱ و اوائل سال ۵۲ به چریکهای فدائی خلق پیوستند. در آن سالها به دنبال رستاخیز سیاهکل و اعلام موجودیت چریکهای فدائی خلق، با توجه به نقش بن بست شکنانه راهی که چریکها شروع کرده بودند، جو جامعه کاملاً دگرگون شد و گرایش به راه نوین مبارزه شدیداً در سطح جامعه مطرح شد. درستی راه چریکهای فدائی خلق که خود زندگی و شرایطی که رژیم دیکتاتوری شاه بر جامعه تحمیل نموده بود، آن را فریاد می زد باعث شد که افراد و محافل مارکسیستی بسیاری ضمن پذیرش مبارزه مسلحانه به مثابه وظیفه فوری و مهم نیرو های پیشرو، به این جنبش پیوسته و در صدد ارتباط گیری با چریکهای فدائی خلق بر آیند. گروهی که رفیق حبیب در آن فعالیت می کرد از جمله همین گروه ها بود. این گروه با مسئولیت رفقاء حمید مؤمنی (برادر بزرگ رفیق حبیب)، نزهت روحی آهنگرانی و بهمن روحی آهنگرانی تشکیل شده بود که پس از پذیرش ضرورت مبارزه مسلحانه، در صدد ارتباط گرفتن با چریکهای فدائی بر آمدند و این ارتباط سرانجام از طریق رفیق علی اکبر جعفری بر قرار شد. قبل از آغاز مبارزه مسلحانه، همانگونه که رفیق احمدزاده در کتاب خود تشریح نموده است، تجمع ساده نیروها، رشد خودبه خودی و جدا بودن از توده ها خصوصیات اصلی جنبش

نوین کمونیستی ما را تشکیل می داد. به همین دلیل هم اکثر گروه های مارکسیستی در همین چهارچوب قرار داشته و ضمن مطالعه مارکسیسم - لنینیسم به منظور بالابردن آگاهی خود به بررسی جامعه جهت شناخت واقعیت و درک چگونگی تغییر این واقعیت در جهت منافع کارگران مبادرت نموده و تلاش می کردند تا جایی که امکان دارد با توده ها و شرایط زندگی و مبارزه آنها در تماس بوده و این شرایط را بشناسند. گروه رفقاء نزهت، بهمن روحی آهنگرانی و حمید مؤمنی نیز در بستر چنین تلاشی سرانجام به درستی خط مشی مسلحانه رسید و موفق به تماس با چریکهای فدائی خلق گردید.

رفیق حبیب پس از این که در ارتباط با چریکهای فدائی خلق قرار گرفت، مدتی در یک کارخانه به کار پرداخت و سپس زمانی که رفقاء تصمیم گرفتند فاتح یزدی سرمایه دار صاحب کارخانه جهان چیت را به دلیل نقش وی در کشتار کارگران این کارخانه در سال ۱۳۵۰ مجازات کنند، از رفقائی بود که در شناسائی های این حرکت و از جمله شناسائی پاسگاه ژاندارمری کاروانسراسنگی که در آن سال با حمله به کارگران کارخانه جهان چیت باعث مرگ چند کارگر مبارز شده بود، شرکت داشت. قرار بر این بود که ضمن اعدام انقلابی صاحب سرمایه دار و سرکوبگر کارخانه، این پاسگاه نیز منفجر شود.

رفیق حبیب مدتی نیز جهت توجیه موقعیت خود با خرید یک وانت ضمن مسافرکشی به شناسائی شهر تهران می پرداخت تا هر چه بیشتر و بهتر بر وضع شهر آگاه شده و امکان تحرک بیشتری در شرایط پولیسی که نیرو های امنیتی در شهر حاکم کرده بودند، پیدا نماید. در زندگینامه های به جا مانده از شهدای سازمان در آن دهه، از رفیق حبیب به عنوان یک کارگر آگاه نام برده شده است. او به واقع کمونیست آگاهی بود که به تجربه دریافته بود که در شرایط دیکتاتوری عنان گسیخته رژیم شاه هیچ راهی جز مبارزه مسلحانه، راهگشای مبارزه توده ها نیست و تنها در بستر چنین مبارزه ای روشنفکران انقلابی و سازمانهای مارکسیستی امکان می یابند با تأثیر گذاری بر طبقه کارگر توجه آنها را به خود جلب کرده و زمینه های ارتباط هر چه وسیع تر را با کارگران کسب نمایند.

گر چه ساواک شاه رفیق حبیب را در زیر شکنجه به شهادت رساند و وی زنده نماند تا نتایج مبارزات و فعالیتهای خود و سازمانش را هر چه بیشتر ببیند؛ اما تجربه نشان داد که راهی که چریکهای فدائی خلق در پیش گرفته بودند راهی درست بود که فضای سیاسی جامعه را دگرگون و توجه کارگران را به خود جلب کرده و با جلب حمایت معنوی کارگران می رفت که حمایت مادی آنها را نیز جلب نماید. بی دلیل نبود که در شرایط انقلاب ۱۳۵۷-۵۶، کارگران در تعداد بسیار زیاد و چشمگیری به سوی چریکها روی آورده و همصدا با بقیه مردم فریاد می زدند:

تنها ره رهانی ره سرخ فدائی.

یاد رفیق حبیب الله مؤمنی گرامی و راهش پر رهرو باد!

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۴۹، پانزدهم بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۶